

او یک فرشته بود

قدحی روی بود یک کش ترساک به چاشنی افتاده بود زلفهای همسرش در
چندوی شکوئی کش بود و زن دیگر نمی توانست اقبال دلش را تحمل کند
تا تیره و مدام حرف از آنچه زن مدام قرصان صدق او می گفت و بی خیال
برعکس، مدام توی خودش بود. خواهرش پیر بود و هر جا می رفت گوشی را
با خود می برد و به هر شاندار پیاپی بی درنگ آن را زج می کرد. ترسید هنوز
نمی دانده، زندگی همانقدر آتش از دست بدهد. زن به خواهرش را تعقیبه
چیز را تعریف کرد. خواهرش هم مثل همه خواهرهای دلسوز، نسخه تعقیبه
و گریز پیچید و گفت غایب به سایه تعقیبش کن سر از کارش دربیار.
و بیچاره زن افتاد دنبال شایه تعقیبش که سر از کارش دربیار و ولی
چیزی که سدنگیرش نشد هیچ، بر سرش و وحشتش می افروزد که

فالگیرها سوار بر چهل مشتری‌ها می‌تازند

فأل و الفگیری تا چه حد در زندگی شما نقش دارد؟ آیا این موضوع برای شما مهم است؟ قابل انکار نیست که تقریباً برای همه ما مطلوب و مورد نیاز است. مورد نیاز خود و بدانیام و جنبه‌های مختلف وجود خود را بشناسیم. شاید برای شما هم اتفاق افتاده است وقتی در میمانی که به هیسترسید و متوجه حضور یک روانشناس می‌شوید، مایلید با وی در خصوص مسائلی در مورد خودتان یا در اطرافیان که به نوعی با آنها درگیر هستید، بیشتر بدانید یا مثلاً بدانید که نوع رفتارهایی، چه سرانجامی خواهند داشت و البته اینکه گاه سوال می‌کنیم چه کنم که

اگر بخواهیم در فرم و ساختار پدیده‌ای که آن را زمان می‌نامیم، نگاهی به مفهومی از آینده داشته باشیم، معمولاً با در زمان بی‌شخصه مهم دارد و آن است: **این پدیده**، یعنی، فرآیندی در پرده‌ای از **ایهام**، به‌مانند لحظه‌های نایمیده می‌خوریم. اما این ذهن جستجوگر و پیش‌بینی‌گر خواهد بود! این دانستن توانی که در قالب پیش‌بینی‌های بلندمدتی و تحقیقات آماري باشد، البته زیست، اما جای بی‌ذهن مایل است با فراتر از آن بی‌گذارد، وارد عرصه مجهولات شود و مایل است آنها را واقعی بنماید، مثل پیش‌گفته‌های می‌گیریم.

به شکل کلی، فردی که کسانی که تمایل به این کار دارند، افرادی هستند با نگرانی بیشتر از آینده، یعنی ما مال می‌گیریم، چون می‌خواهیم بدانیم چه بر ما خواهد گذشت! حال آنکه هیچ‌کس مگر پروردگار از آینده آگاه نیست.

روان‌هایی که درگیر رگه‌هایی از بدگمانی هستند نیز بیشتر به دنبال این پدیده می‌روند. ماه‌ها مانده تفسیرهای غلط از رخدادها داریم، این تفسیرها ماه‌ها حالت‌های هیجانی خاصی به وجود می‌آورند. این هیجان‌ها می‌تواند ما را به مسیر مثل فالگیری بکشاند. به این گفته‌ها دقت کنید: «من مشاورا را برای بدگمانی زواج باهاش رفتم. زدم ازم (بیش)» اومده رفتم کلی به فکر می‌رسید انجام دادم (اها هیچ) کدوم نشد تو خونه هیچ کس» از من خوشش نیامد، راستش رو بگویند پیش بی فالگیر هم رفتم، اومد بهم گفت آدم بدنامی هستی!»

با بررسی مشخص می‌شود تعدادی از صحبت‌ها برای ازدواج بنا به دلایل بسیار عادی مثل نداشتن قهقهه در ابتدای ترین ایده‌ها، منجر به نتیجه نشده است. بعضی از شوهرها انتخابی هیچ همسویی ای با علم و مهارت نداشته‌اند و در خانه به شکل کاملاً طبیعی گاه اختلاف نظرهایی در حد اوراق، اعضای خانواده یا ارفش داشته‌اند. تفسیر این شخص از رویدادهای اطرافش،

ناآوانی در حل مشکلات

چالش‌های بخش جانشدنی زندگی تمام افراد بشر در دوران‌های مختلف بوده است. انسان به واسطه فرایندی به نام «زندگی» گریزی از این مسائل ندارد. این مهم را باید «پذیرفت». تمام ما روزهای پر تنش را تجربه کرده‌ایم. واقعیت این است که وقتی مسائل ناخواسته، چند جهت ما را درگیر می‌کنند، به نایاب اینها را به برخی در چنین برهه‌های دچار سرسردگی می‌شنوند و ممکن است که مرز عجیبی را عبور یابند. این جایگاه همه حل مسئله است که بر عجز از به سمت حل گرفتن عمل می‌دهد، زیرا شخص خود را ناآوان از حل مسائل می‌بیند، پس برای حل کلیه که در درون خود اوست، به غیر پناه می‌برد. گویی آنچه‌ای را به ناآوانی برای حل مسئله رسانه در دستان دیگران است.

به شکل کلی، در صدی از کسانی که تمایل به این کار دارند، افرادی هستند با نگرانی بیشتر از آینده، یعنی مافال می گیریم. چون می خواهیم بدانیم چه بر ما خواهد گذشت! حال آنکه هیچ کس مگر پروردگار از آینده آگاه نیست

شکلات

دسته دیگری از افراد به این موضوع دارند، قابلیت های خویش را می شناسند، دور خویشتن، برای یافتن راه حل، ترس و درودن بر شدن با مشکلات به گرفتن رقی می آورند. مشکل اعتماد به نفس می باشد.

تمام راه بخش جدانشدنی زندگی بشر در دوران های مختلف بوده و انسان به واسطه فرایندی به نام «گریزی از این مسائل ندارد. تمام ما روزها را بر پیش ران تجربه است.» گفتن مسائل ناخوشایند از پیر می کنند، بنا به دلایل مختلف،

چطور می شود تسری از مردم با بخش های خود رده فرهنگ، فرهنگی نمی کند در چه جایی از این که خاکی باشند، بیشتر به خرافات روی می آوردند شاید جواب های گوناگونی برای این پرسش به ذهن برسد، اما بیشتر بسیاری از جواب های یک عامل خلاص می شود: هر چه مردم بیشتر از علم و دانش واقعی فاصله بگیرند، به همین نسبت بیشتر به خرافات روی خواهند آورد.

معنویت عامل محکمی برای دوری از خرافات است و ضعف در آن از جمله عوامل مؤثر در گرایش بر مسائلی همچون فال و فالگیری است. گاه «من» با ذهن تک‌بعدی خود، فقط یک نتیجه را خواهان و پندار می‌کند و اینجاست که می‌تواند ما را به سمت کور راه‌هایی مثل فالگیری بکشاند و از اخلاق و معنویت دور کند.

زیستن مهارتی آموختنی است. ما واقعا کنترلی بر برخی مسائل نداریم. با این اوصاف آیا بهتر نیست تلاش مان را روی افکاری که قابل کنترل است، بگذاریم؟ چرا اوقات خود را با ترس از آینده سپری کنیم؟ بنابراین بهتر است در جایگاه «اکنون» بایستیم.

تماس را قطع کرد و به خودش لعنت فرستاد که چرا به همسرش شک کرده است. مردی که به دکتر همسرش مخفیانه التماس کند که مشکل ناباوری همسرش را گردن او بیندازد تا احساس زنانه‌اش زخمی نشود مرد نیست، یک فاشته است.

چطور می‌شود قشری از مردم با بخش‌هایی از خرده‌فرهنگ‌ها، فرقی نمی‌کند در چه جایی از این کره خاکی باشند، بیشتر به خرافات روی می‌آورند؟ شاید جواب‌های گوناگونی برای این پرسش به ذهن برسد، اما بستر بسیاری از جواب‌ها در یک عامل خلاصه می‌شود: هر چه مردم بیشتر از علم و دانش واقعی فاصله بگیرند، به همان نسبت بیشتر به خرافات روی خواهند آورد.

مهم نیروی عظیم و باشکوه را تباط و شناخت درون) برای درک و کشف و شناخت شگفتی های وجود و به منظور پیش بینی ناخدا امکان، برای عملکرد بهتر) این فاکتور ها، نگزشی روی اثرش یک بعدی به ما برای بشر مطلوب است، اما مسئله مهم این است که سواسته‌ها بشر وجود ندارد. اگر انسان برای دانستن اثره می گذارد. «نیروی یکی از این بیهوده‌هاست. چرا انباشته دیده‌های می شود؟ از نظر علمی و روانشناسی به این مسئله امور داریاتی قرار داد.

صرف نظر از اینکه تا چه حد درگیر این مسائل باشیم، خوب است بدانیم این ناراحتی‌هایی که روان را درگیر می‌کنند، مانند خاکستری پرکارنده در باد، تنها باعث تیرگی مسیر راه شده و لذت «حال» را می‌ربایند و پنهان‌کننده حقایق هستند، اگر خود را درگیر چنین مسائلی می‌دانیم، حتماً از افراد متخصص در این زمینه کمک بگیریم، نه فالگیرها.

گاهی ما در احاطه چالش‌های حل‌نشده هستیم. راقیت این است که یکی از بهترین راهکارها برای این مورد، پرورش توانمندی‌های درونی ماست، شاید زمان‌بر به نظر برسد، اما قطعاً نتیجه‌بخش خواهد بود. بهتر است در این گونه موارد صبور باشیم. صبری که جسارت تأمل برای یافتن راه‌حل، نه صبری حامل خودخوری‌های بی‌مورد!

در انتخاب دوست دقت کنیم؛ دوستی می تواند
فرآیندی باشد برای کمک به پیشرفت «من»
می توان در دامن این رخداد ساعاتی آسوده خاطر
بود. دوستی بستر هیاهوی صحبت و سکوت، شنیدن
و شنیده شدن است. دوستی ساعتی برای خنده
و گریه هاست. در یک فرآیند دوستی مناسب، روح
پالایش می شود. اگر چنین نباشد، به خود پاسخ
دهیم: در ازای صرف «زمان» چه چیز عایدان
می شود؟

و اما در مورد باورهای معنوی، گاه «یقین» دارم تلاش از سوی «من» در این عالم، «ناپدید» نمی‌شود. با اطمینان کلی تلاش می‌کنم، اما محدود و پیمایم تلاش را منحصراً در آنچه با ذهن محدودم درک می‌کنم، نمی‌کنم و ایمان دارم تا نتیجه تلاش من ممکن است به شکل دیگر در ادیان مختلف ترسیم شده در ذهنم نباشد، اما چون با تئیس الهی کارم و انتفاع می‌دهم، حتماً به صلاح «من» است. این اصل یکی از اصول باورهای من است که کمتر به آن توجه نمی‌کنیم. بنابراین باور یابی نقش کلیدی در جهت‌دهی به افکار و رفتارمان دارد.

در نهایت یادمان باشد، در قری زندگی می کنیم که بشر روز به روز بیشتر در راستای درک معنویت و علم قدم بر می دارد. ما هم می توانیم با انتخاب درست سهمی در این راستا داشته باشیم.

* روانشناس و مشاور

A still life composition on a vibrant red background. In the center is a large, smooth, purple reflective sphere. To its left, a white ceramic cup filled with dark coffee sits on a matching saucer, with a small silver spoon resting beside it. Behind the cup and sphere are several tall stacks of Euro banknotes, including 100 and 50 Euro bills. To the right of the sphere, two dice are visible, one showing a six and the other a one. In the foreground right, a playing card, the King of Diamonds, lies flat. The overall scene suggests themes of chance, wealth, and luxury.

فالگیرها پای ثابت گنده‌های آخر هفته شدند

قمار با آینده!

«یدار تون به تأخیر می افته»، «طلمس و سحر برات افته»، «ازدواج موفق داری»، «دو تا بچه درو رو کار تان افته»، «شکرتن شفا می برضتونی گیبری»، «دو وعده دنگ به اتفاق خوب برات می افته» و...^{۲۲} «دو اما»، «تلمسنگه ولی جرت نذاره بیار سرت»، «تلمسنگه و سحر برات افته»، «دو اما»، «خیانت شده بیعت با خیانت خواهد شد» و مواردی از این قبیل که ناهفته پیوسته پدیدار است. «دو» چه کسانی است؟ همان افرادی که با کالی گویی در صدد پیش بینی آینده هستند تا ذهن شمارا اغلاط و با واقع احتمالی برآمده از آرای این جفتیان برآ خالی کنند. این روزها فراخی های میهمان ثابت بر علم و آگاهدهای اخذ هفته زاننه حتی مردانه شده اند. گنبد است که حتی بر خیز افراد باسواد، با تجربه و با حال بدن پیشگویشی آینده فالگیری از افراد گذشته یا حتی به عنوان یک یزم و سحر گرمی راه می دهند؛ داستانی که همواره از آن نوشته و درباره آن نقد می شود اما در هیچ دوره ای تمامی ندارد. مگر آنکه سواد کافی و رشد عقلی جامعه مانع از این شود که افراد بای خرافات با آیند، خود قمار کنند، چه بسا که با جان باختن مر اجعه به مشاور و روانشناس، روانکار سازه نه جایگزین این اضطراب و ترس انسان شود.

دوستی با تحصیلات بسیار، دکتر تعریف می کرد که در دهه می صمیمی با مدیر همدان کرد و زمان آن بود که با او به تهران رفتند. در این جمع فردی که با همسرش چار مشکلات شده و تقریباً به بن بست رسیده بود درددل می کرد فردی که زندگی خوب و عالی داشته اما دچار وقت‌فانی است همسرش چار چهارم شده و بس شک کرده است، یک بار از این جمع چند نفره با هم سخن و جادو بیرون می آید و همین کافی بود که حالا بعد از چند ماه بهانه گدغه جمعی افراد تحصیلکرده از محبت دربار آخرین مقاله و کتاب به صحبت‌های خال‌زنی فکلیات‌نیز تنزل پیدا کنند؛ موضوعی که سوسا خلیله به اعتیاد خود این باختم فالگیر است که باورود به جزئی ترین و خصوصی ترین لحظاتی و زندگی افراد، آنها را به سمت تخریب هدایت می کند. با این شده است که تن‌تک افراد این جمع با رخ افتاد اینده خود، زوفا را قفل کرد

یکباری، کسب درآمد و رزق کار، تلاش برای پیدا شدن انشای همشده، دردمان بیماری‌های جسمی و روانی و حل مسئله و مشکلات از بچگی و مانند داستان‌های زن و شوهر، شکست رابطه عاطفی و بخت‌گشایی است. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که «فرآیند جامعه‌پذیری»، «باور به فرهنگ این جهانی» و «ان‌چنانی»، «برخی فعالیت‌های روان‌شناختی»، «مدن شدن سازو کارهای فرهنگی و عناوینی»، «گروه مرجع فرد»، «شرایط زمینه‌ساز مراجعه افراد به فالگیر و عناوینی» شود. پژوهشگران این مطالعه می‌گویند: تکلیف صاحب‌تبارش که کندگان نشان می‌دهد این تکلیف هرماندی که در مواجهه با مشکلات خود و به دلیل غلبه باورهای فرامادی، به دعاوینوسی و فالگیری روی می‌آورد به طور کلی فقدان مهارت‌های لازم برای چاره‌جویی از مشکلات زندگی، نامیدی، کارایی-بهره‌مندی، فقدان فرهنگ فرامادی، عدم استیلا به منابع از زمین‌دین، نفوذ اعتقادات دینی و باورهای خانوادگی، احساس ناکارآمدی روش‌هایی که متخصصان مشاوره پیشنهاد می‌کنند، تأثیرپذیری از اطرافیان و دیگران در گرایش به فالگیری و دعاوینوسی مداخله داشته است.

نه تنها هیچ نتیجه‌ای از مراجعه به فالگیر و دعاویسی نگرفتند، بلکه حتی مشکلات جدیدی هم برای آنان ایجاد شده است. اما نکته جالب این است که این تجربه منفی، باعث نبوده است آنها به طور کلی از دعاویسی و فالگیری منصرف شوند. آنان توانایی دعاویسی و فالگیری را به مایهت دیده فالگیر و دعاویسی تعمیم نمی‌دهند و این امر، معرف دیگری برای رسوخ باورهای فراامی در میان صاحب‌مشکلات، گمان است.

همه دوست دارند نویدی از آینده به آنها داده شود تا این نوید آنها را امیدوار کند و بتوانند با این امید اضطراب‌های‌شان را کنترل کنند. جالب است گویی فالگیرها این هدف را تشخیص داده‌اند و بعضاً محور صحبت‌های خود را از پیشگویی به سمت کلی‌گویی به‌شماره دادن سکه داده‌اند



همه دوست دارند نویدی از آینده
به آنها داده شود تا این نوید آنها
را امیدوار کند و بتواند با این
امید اضطراب‌های‌شان را کنترل
کند. جالب است گویی فالگیرها
این هدف را تشخیص داده‌اند و
بعضاً محور صحبت‌های خود را از
پیشگویی به سمت کلی گویی و
مشاوره دادن سوق داده‌اند